

مدراتن مذاکرات هسته‌ای

از سعدآباد تا کوبورگ

نویسنده

نادر انصاری

کاوه افراسیابی

مترجمان

سعید جعفری

روح‌الله فقیهی



سرشناسه	: انتصار، نادر	Entessar, Nader
عنوان و نام پدیدآور	: ماراتن مذاکرات هسته‌ای: از سعدآباد تا کوبورگ / نویسندگان نادر انتصار، کاوه افراسیابی؛ مترجمان سعید جعفری، روح‌الله فقیهی.	
مشخصات نشر	: تهران: قومس، ۱۳۹۵.	
مشخصات ظاهری	: ۲۸۰ ص.	
شابک	: 978-964-8811-69-8	
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.	
یادداشت	: عنوان اصلی: Iran Nuclear Negotiations: Accord and Détente Since the Geneva Agreement of 2013, 2015.	
موضوع	: منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای - ایران - همکاری‌های بین‌المللی.	
موضوع	: سلاح‌های هسته‌ای - ایران - کنترل.	
موضوع	: سلاح‌های هسته‌ای - ایران.	
موضوع	: ایران - روابط خارجی - ایالات متحده.	
موضوع	: ایالات متحده - روابط خارجی - ایران.	
سنا	: افراسیابی، کاوه	
شناسه افزوده	: Afrasiabi, Kaveh L.	
شناسه افزوده	: ری، سعید، ۱۳۶۴ - مترجم.	
شناسه افزوده	: فقیهی، روح‌الله، ۱۳۶۹ - مترجم.	
رده‌بندی کنگره	: ۵۶۷۵ / الف ۸۰۲۱۰۵۵ JZ	
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۷ / ۱۷۲ / ۰۹۶	
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۳۷۰۶	



- ★ نام کتاب: ماراتن مذاکرات هسته‌ای (از سعدآباد تا کوبورگ)
- ✱ نویسندگان: نادر انتصار، کاوه افراسیابی
- ✱ مترجمان: سعید جعفری، روح‌الله فقیهی
- ✱ حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)
- ✱ نوبت چاپ: اول
- ✱ سال چاپ: ۱۳۹۵
- ✱ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
- ✱ قیمت: ۱۷/۰۰۰ تومان
- ✱ لیتوگرافی: طیف‌نگار
- ✱ چاپ و صحافی: سعید دانش
- ✱ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۱۱-۶۹-۸
- ✱ ناشر: نشر قومس، تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پایین‌تر از چهارراه لبافی‌نژاد، کوچه بهار، شماره ۱۱
- ✱ تلفن و نمابر: ۶۶۴۷۰۱۶۲ - ۶۶۴۷۰۱۵۳ - ۶۶۹۳۲۷۹۷
- ✱ صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۳۹۱
- ✱ نشانی اینترنتی: www.ghoomes.com

کلیه حقوق چاپ و نشر (افست و الکترونیکی) تکثیر، نسخه‌برداری و ترجمه برای نشر قومس محفوظ است

(استفاده از مطالب کتاب فقط با ذکر مأخذ بلا مانع است)

فهرست

۶	مقدمه مترجمان
۱۰	مقدمه نویسندگان
۱۹	فصل اول - جاده‌ای به سوی توافق ژنو
۲۴	بحران هسته‌ای ایران: ریشه‌ها
۲۷	بررسی مجدد مسئله «عدم پایبندی»
۳۴	مذاکرات هسته‌ای؛ ادوار اولیه
۴۰	مذاکرات در دوره احمدی‌نژاد (۲۰۰۵-۲۰۱۳)
۴۳	پیشنهاد روسی
۴۴	سازمان ملل و دور جدید بین‌المللی کردن بحران هسته‌ای
۵۱	دولت اوپاما، تبادل سوخت و جنگ پنهان
۵۴	طرح لاوروف
۵۷	ادوار آلمانی و مذاکرات محرمانه
۶۲	فصل دوم - توافقی روبه جلو
۶۶	روحانی و اخبار خوش هسته‌ای
۶۷	انتقال پرونده هسته‌ای به وزارت خارجه
۷۱	امتیازات هسته‌ای ایران تحت توافق ژنو
۷۱	تعهدات کشورهای «پنج بعلاوه یک»
۷۳	عناصر توافق نهایی در توافق ژنو

۷۳	تفسیر توافق ژنو
۷۷	توافق ژنوبه عنوان توافق بین المللی «قانون نرم»
۸۵	فصل سوم - مسئله غنی سازی
۸۶	تجدید نظر در ظرفیت غنی سازی ایران
۸۸	تحال متنی توافق ژنو در رابطه با مسئله غنی سازی
۹۰	فرضیه «گیز هسته‌ای»
۹۸	ایران - برنامه غنی سازی در حال گسترش جهانی
۱۰۳	فصل چهارم - میر سنگی در راه توافق نهایی
۱۰۶	ارزیابی روند مذاکرات سال ۲۰۱۴
۱۰۸	مذاکرات نیویورک
۱۰۹	مذاکرات عمان
۱۱۰	آخرین دور مذاکرات وین در سال ۲۰۱۴
۱۱۲	خطوط قرمز طی برگزاری مذاکرات هسته‌ای
۱۱۳	موضوع مربوط به موشک‌های بالستیک ایران
۱۱۶	موضوع راکتور آب سنگین
۱۲۲	سؤال مربوط به برداشته شدن تحریم‌ها
۱۲۶	سؤال مربوط به دوره اجرای توافق هسته‌ای
۱۳۲	فصل پنجم - تأثیرات منطقه‌ای
۱۳۲	پیوند سعودی - اسرائیلی علیه ایران
۱۳۹	معمای آمریکایی
۱۴۴	پیامدهای «کارت نفت» سعودی
۱۵۳	فصل ششم - گشایش در روابط آمریکا و ایران؛ پشت سر گذاشتن گذشته‌ای پر آشوب
۱۵۵	بررسی دقیق رویدادهای گذشته و حال
۱۶۴	«تعامل همراه با احتیاط» اوباما/ «تعامل سازنده» روحانی
۱۶۶	لزوم تحلیل «چند سطحی»

۱۷۰	«مداخله بشردوستانه ایران» و دوران «پس از مهار»
۱۷۹	فصل هفتم - موضوع هسته‌ای و امنیت هسته‌ای ایران
۱۸۰	منافع ملی / امنیت ملی ایران از جنبه نظری
۱۹۱	محقق شدن نظریه والتز در باره «توازن هسته‌ای» ایران
۱۹۳	امنیت ملی و قابلیت هسته‌ای ایران
۱۹۸	توانمندی ایران به عنوان کشور در آستانه هسته‌ای شدن، و «تنهایی» راهبردی
۲۰۱	چین، مذاکرات هسته‌ای، و امنیت ملی ایران
۲۱۴	فصل هشتم - ایران، توافق و آینده آن. پی.تی
۲۱۹	دیپلماسی خلع سلاح هسته‌ای ایران
۲۲۲	ایران، توافق و آینده آن. پی.تی
۲۲۳	ایران و خاورمیانه عاری از جنگ افراسیاب هسته‌ای
۲۳۱	فصل نهم - تفاهم لوزان
۲۳۶	فصل دهم - برجام و آینده برنامه منع اشاعه
۲۳۶	از ناکامی کنفرانس بازنگری آن. پی.تی تا موفقیت مذاکرات هسته‌ای ایران
۲۴۱	ارائه تحلیلی میانه
۲۴۵	اتخاذ رویکرد سازنده و حیاتی در قبال برنامه جامع اقدام مشترک
۲۵۶	نتیجه‌گیری
۲۵۸	پیوست ۱
۲۶۱	پیوست ۲
۲۶۴	پیوست ۳
۲۶۵	پیوست ۴
۲۶۹	پیوست ۵
۲۷۳	پیوست ۶
۲۷۵	□ نمایه

مقدمه مترجمان

و بالاخر، حاکم این توافق

اطلاق عنوان ما را بر آنچه در مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب گذشت احتمالاً مناسب‌ترین توصیف برای یک دهه‌ای است که نشیب و فراز و بالا و پایین بسیار داشته است. موضوع برنامه هسته‌ای ایران که از سوی غرب پرونده و بحران هسته‌ای ایران نامیده می‌شد حتی شاید از بیش از یک دهه قبل یاد شود.

خاتمی و روحانی نخستین مسئول پیگیری این پرونده بودند و در مسیر پرسنگلاخ هسته‌ای توافقات و تفاهماتی چون سعدآباد و پروتکل پاریس هم به دست آمد، اما دلایلی بسیار چون حضور نومحافظه‌کاران آمریکایی در مسنل، در کاخ سفید و از این طرف به قدرت رسیدن رادیکالیسم دست راستی در پاستور موجب شد تا مسئله از توافق هسته‌ای به بیشترین حد ممکن برسد. البته مطالعه اسناد و مدارکی که برخی از آنها به تازگی منتشر شده‌اند نشان می‌دهد در همان دوران قدرت هم، تلاش‌های پیدا و پنهان فراوان از سوی محمود احمدی‌نژاد و چه از طرف جورج بوش پسر برای اینکه افتخار پایان دادن به این مناقشه غیر ضروری را به نام خود بزنند، صورت گرفته است. تلاش‌هایی که جملگی ناکام و ناموفق باقی ماند و برعکس برگره‌های کور برنامه هسته‌ای ایران افزود.

با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، موجی تازه از امید چه در ایران و چه در جهان در دل کسانی که پایان این منازعه را طلب می‌کردند، ایجاد شد. در نقطه مقابل رادیکال‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی هرچه در توان داشتند برای ناکام نگاه داشتن این فرآیند تازه پدیدآمده به کار بستند. روحانی با وعده گشایش در پرونده هسته‌ای آن هم ظرف مدت ۱۰۰ روزه قدرت رسیده بود و در کمال شگفتی توانست در همان مدت، توافقی

مهم، با ارزش و در عین حال راهگشا به نام ژنو را روی میز بگذارد. هرچند منتقدان داخلی آقای رئیس جمهور بسیار بر او و تعهداتی که کارگزاران او در مذاکرات هسته‌ای داده بودند، تاختند، اما اهمیت توافقی ژنو شاید بیش از تعداد سانسرفیوژ، درصد غنی‌سازی اورانیوم و یا میزان پول‌های آزاد شده، حلول روح همکاری و امیدی بود که به حصول توافقی در فضای مذاکراتی ایران و غرب پدید آمد. مذاکرات پیوسته، کم‌جان و بی‌حاصل سعید جلیلی در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد این گمانه را به باور بدل ساخته بود که ایران و غرب حتی حرف یکدیگر را هم نمی‌فهمند. چه برسد به اینکه توافقی روی میز باشد. اما توافقی ژنو در آذرماه ۱۳۹۲ نشان داد پیگیری روزانه متین و منطقی با در نظر گرفتن اصول مذاکره و دیپلماسی دو و چند جانبه، می‌تواند، به بزبست‌ترین بایان بخشد. توانایی که تخصص محمد جواد ظریف و تیم همراه او بود.

به واسطه همین اتفاق بزرگ برخی از تحلیل‌گران با خوشبینی انتظار داشتند بعد از ژنو، وین هم سریعاً نهایی شود. اما نماینده‌های «رزیر خارجه» ۵+۱ در کنار امضای محمد جواد ظریف، پرونده هسته‌ای ایران را با تاریخ پرید ژنو، حاضر آنکه قدری واکاوی در ماجرا کافی بود تا بدانیم، این رشته سردراز دارد. در طی سال‌های گذشته مذاکرات هسته‌ای، به اندازه‌ای گره برگره‌های پیشین این پرونده افزوده شده بود که باز کردن آن، به‌جای بود کارستان.

بعد از ژنو، وین، استانبول، نیویورک، مسکو، مونیخ، متته‌رو، لوزان و باز هم وین‌ها از راه رسیدند و آمدند تا نشان دهد، پایان بخشی به این مناشه. بحران غیر ضروری، امری بس دشوار بوده است. تمدیدهای پیاپی کار را به جایی رسانده بودند که تحلیل‌گران بدبین داخلی و بین‌المللی، استدلال می‌کردند، اساساً قرار نیست توافقی حاصل شود. این مقابله می‌خواهد وقت‌کشی کند.

با تمام این‌ها، روزنه امید توافقی، در فروردین ماه ۱۳۹۴ روشن شد. در دو طرف توانستند بر سر راه حل‌ها به راه حل برسند. آنچه که در غرب توافقی سیاسی و در ایران حاکم بر سر راه حل‌ها نامیده شد، مسیر آینده مذاکرات را روشن ساخت. وقتی جواد ظریف به همراه فدریکا موگرینی در سالن رولکس دانشکده پلی تکنیک لوزان مشغول قرائت متن بیانیه مشترک مطبوعاتی خود بودند، جهان دریافت که توافقی هسته‌ای ایران و ۵+۱، حالا بیش از همیشه در دسترس است.

با این وجود کار نگارش سندی حقوقی آن هم در این سطح بدیهی بود که ظرافت‌ها و حساسیت‌های بسیاری می‌طلبد. به همین دلیل هم مذاکرات دورپایانی وین که قرار نبود بیش از یک هفته به طول بینجامد، بیشتر از بیست روز به درازا کشید.

در طول این بحران، اثرات و تبعات منطقه‌ای، برون‌ضعیت خاورمیانه و نقش بازیگران همسایه و مجاور ایران در روند مذاکرات هسته‌ای غیر قابل انکار بود. آنها که با تلاش‌های مخرب خود، سعی کردند جلوی رسیدن این کشتی به ساحل امن را بگیرند یا آنان که، خود میزبان مذاکرات شدند و از هیچ تلاشی برای نزدیک‌تر کردن نظرات ایران و آمریکا فروگذار نکردند.

از سوی دیگر مخالفت‌های داخلی چه در ایران و چه در آمریکا بر سر مسائلی چون تأثیر بر امنیت ملی، هویت و وجهه ملی و البته تأثیر بر آینده مناسبات قدرت، بسیار در تهران و واشنگتن سنیده و دیده می‌شد. اتفاقاتی که باز هم کار را برای حصول به توافق نهایی دشوارتر می‌کرد.

این کتاب در تلاشی اندیشمندانه از سوی دو تن از دانشمندان علوم سیاسی ایرانی ساکن آمریکا ادب تلاش کرده به تمامی این پرسش‌ها و پیچیدگی‌ها پاسخ دهد. نادر انتصار و کاوه افراسیابی در این کتاب، یک در سی‌تامبر ۲۰۱۵ یعنی حدوداً دو ماه پس از نهایی شدن برجام، در آمریکا، منتشر شده. تلاش کنند نگاهی جامع به روند مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب داشته باشند. در ابتدا به بحث پیشینه نام هسته‌ای ایران که به دوران رژیم پهلوی بازمی‌گردد اشاره شده است. سپس به تصمیمات ایران پس از اذیت لایب برای بازپیگیری برنامه هسته‌ای پرداخته شده و در ادامه و به صورت جامع به دوران مذاکراتی در دوران روحانی، لاریجانی، جلیلی و بالاخره ظریف و اکاوی و موشکافی شده است.

اتفاق تازه‌ای که در دوران مذاکراتی محمد خاتمی و علی خامنه‌ای رخ داد، این بود که تقریباً در تمام ادوار مذاکراتی این دو سال، در ایران و ژنو، نمایندگان رسانه‌ها حضور داشتند و می‌توانستند از نزدیک آخرین تحولات گفت‌وگو به رسانه‌های را رصد کنند. این توفیق برای ما مترجمان این کتاب هم مهیا بود و از طرف پایگاه خبری خبرآنلاین (سعید جعفری) و انتخاب (روح‌الله فقیهی) تقریباً در تمامی ادوار مذاکراتی این دو سال حضور داشتیم و این مهم چه در درک بهتر روند تحولات و چه در فهم بهتر در امر ترجمه این کتاب (که بخش مهمی از آن همین دو سال را شرح می‌دهد) بسیار ما را یاری کرده است.

نسخه اصلی و انگلیسی این کتاب در نه فصل و بدون اشاره به توافق جامع در وین منتشر شده است. ولی با مساعدت نویسندگان این، ما توانستیم یک فصل دیگر هم به صورت اختصاصی درباره برجام و فرجامش به نسخه فارسی اضافه کنیم. فصل دهم این کتاب به صورت اختصاصی از سوی نادر انتصار و کاوه افراسیابی در اختیار مترجمان این اثر قرار گرفته است. ضمن اینکه مجوز ترجمه این اثر به زبان فارسی توسط نویسندگان منحصرأ به اینجانبان واگذار شده است.

در پایان علاقه‌مندیم این ترجمه را به شخص محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه
کاردان و ورزیده جمهوری اسلامی ایران تقدیم کنیم که امر مذاکراتی را با نیت سیاسی گره نزد
جز برای پیشبرد منافع ملی، گام برنداشت و به رغم تمام بی‌مهری‌ها، همه فشارها و انتقادات
صادقانه و مغرضانه و البته مجموعه سختی‌ها و دشواری‌ها و پیگیری‌ها، گشتی به گیل نشسته
پرونده هسته‌ای را به ساحل امن و آرام رساند. کسی که بی‌تردید نامش در تاریخ ایران زمین برای
همیشه به نیکی یاد خواهد شد.

سمید جمفری

روح‌الله فقیهی

فروردین ۱۳۹۵

مقدمه نویسندگان

این کتاب به بررسی دقیق روند مذاکرات بر سر برنامه بحث برانگیز هسته‌ای ایران می‌پردازد. این کتاب در پی ارائه اطلاعاتی مفصل در ارتباط با روندی که یک دهه به طول انجامیده است، در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. در پی برگزاری چندین سال مذاکرات جامع و تا حدودی مؤثر - دروین، ژنو، استانبول، بغداد، اسکو و آلمانی - بین جمهوری اسلامی و گروه موسوم به ۵+۱ متشکل از آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین، روسیه و آلمان، در نوامبر دو هزار و سیزده طرف‌ها به گشایشی قابل توجه دست یافتند. گشایشی که گام اول در مسیر حصول به توافق نهایی وین به شمار می‌رفت.

این مذاکرات هرچند به صورتی مشخص و دقیق به دست بر سر برنامه هسته‌ای ایران متمرکز بوده است، اما به صورت مستقیم یا غیر مستقیم سبب برپیدگی‌هایی در ارتباط با شماری از موضوعات از جمله آینده روابط ایران با غرب، روابط ایران با مسایگانش (به ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی و همچنین سبب بروز نگرانی‌هایی در ارتباط با اشاعه هسته‌ای در منطقه پرنوسان خاورمیانه و فرانسه شده است.

یکی از سؤالاتی که در ارتباط با این مذاکرات مطرح می‌شود به ارتباط بین سیاست هسته‌ای ایران و سیاست این کشور درباره امور خارجی و امنیت ملی مربوط است. در حقیقت، از زمان امضای توافق موقت هسته‌ای با قدرت‌های جهان در ژنو، سیاست‌گذاران ایرانی به صورت فزاینده‌ای این احساس را در میان افکار عمومی القا کردند که توافق هسته‌ای بخشی از سیاست خارجی گسترده‌تر در ارتباط با جهت‌گیری مجدد یا بازنگری با هدف پایان دادن به انزوای بین‌المللی است. ضمن اینکه به گفته یکی از مذاکره‌کنندگان ارشد ایرانی، ابراز اطمینان نسبت به این موضوع است که آینده ملت ایران با توجه به «تحریم‌های فلج‌کننده» اعمال شده از سوی

جامعه بین‌المللی از سال ۲۰۰۶، «در سایه ابرهای سیاه» باقی نخواهد ماند، تحریم‌هایی که در واکنش به تلاش ایران به منظور پیگیری چرخه سوخت هسته‌ای اعمال شدند. قدرت‌های غربی و اسرائیل مظنون هستند که برنامه هسته‌ای ایران «ابعاد نظامی» دارد، اتهامی که تهران با قاطعیت آن را رد کرده است.

این کتاب حاصل فعالیت مشترک و طولانی مدت دو دانشمند علوم سیاسی است که در زمینه سیاست خارجی ایران و مسائل هسته‌ای متخصص هستند و امیدوارند با ارائه یک بررسی روشنگرانه و هدفمند با کمک بینش نظری به بررسی پیچیدگی‌های مربوط به موضوع هسته‌ای و ارتباط آن با موضوعات متنوع غیر هسته‌ای (برای مثال توازن قدرت در سطح منطقه‌ای) بپردازند و بدین ترتیب، تکمیل داده‌های مطالب مطرح شده درباره موضوع هسته‌ای ایران باشد.

تحقیقات آسیوی، شامل ارزیابی همه اسناد کلیدی دولتی در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران از دهه ۱۹۷۰ تا اوایل سال ۲۰۱۵ می‌شود از جمله آرشیوهای دولتی که از طبقه‌بندی محرمانه خارج شده‌اند، کتاب‌ها، مقالات خبری و یادداشت‌های مذاکره‌کنندگان و همچنین محتوای نشست‌های پارلمانی. همچنین برای نگارش این کتاب با شماری از مقامات ایرانی مصاحبه انجام داده‌ایم.

کتاب حاضر بر اساس دستورالعمل‌های علمی اجتماعی و تحقیقات بی‌طرفانه تدوین و ارائه شده است. از این حیث، این کتاب برپایه بینش ناشی از نظم موجود در روابط بین‌المللی و ادبیات مبتنی بر مدیریت بحران، اشاعه هسته‌ای و معادلات مسلح تهیه شده است. مطالب ارائه شده در این کتاب ممکن است کمی گزینشی به نظر برسد اما ما براین باوریم که اتخاذ رویکردی میانه و بینابین امری ضروری است و بسیار مفیدتر از زه‌شودن است. هدف بود که تنها بر یک تئوری اتکا می‌کنیم.

بررسی پیش‌زمینه نیز مطمئناً از اهمیت خاصی برخوردار است، به همین دلیل راین کتاب به صورت آگاهانه تلاش شده است به شیوه‌ای مناسب به بررسی پیشینه مذاکرات هسته‌ای ایران از حیث شرایط خارجی تأثیرگذار و فراتر از همه شرایط منطقه‌ای دائماً اشفته، خروج قریب‌الوقوع نیروهای آمریکایی از افغانستان - در همسایگی ایران - پس از یک دهه حضور نظامی در این کشور، تسری درگیری‌ها در عراق، سوریه و لبنان به دیگر کشورها، تأثیرگذاری بر محاسبات منطقه‌ای ایران و همچنین فوریت و اهمیت سیاست‌های داخلی در نظام مبتنی بر احزاب در ایران پرداخته شود.

در پی دستیابی به توافق در ژنو، لوزان و در نهایت وین چشم‌اندازهای فزاینده در ارتباط با عادی شدن «پرونده هسته‌ای» ایران و روابط ایران با آمریکا که تاکنون خصومت‌آمیز بوده است،

سؤال محوری که مطرح می‌شود، این است که آیا مذاکرات هسته‌ای منادی ایجاد تغییراتی اساسی در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب است یا خیر؟ یا این که آیا این مذاکرات تأثیری سودمند اما جزئی بر شکل دهی دوباره بر سیاست خارجی ضد غربی جمهوری اسلامی دارد یا آن که تنها به موضوع هسته‌ای محدود خواهد بود؟

با حصول توافق هسته‌ای، ایران با تهدید قریب الوقوع جنگ از سوی همسایگان خود یا یک قدرت خارجی که در «خارج از منطقه» از قبیل آمریکا قرار ندارد و تا اندازه‌ای حصول این توافق بر مداخلات منطقه‌ای و مناسبات خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد. سدام حسین در سال هزار و نهصد و هشتاد و با هدف اصلی تصرف استان نفت خیز خوزستان به ایران حمله کرد و در بحبوحه تلاش‌های عراق برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، یک خطر محسوب می‌شد. این نگرانی در نتیجه شکست بغداد در جنگ ۱۹۸۰، در سال هزار و نهصد و نود و یک برطرف و سبب شد بغداد زیرساخت‌های تسلیحات کیمیاوی خود را که زمانی در حال گسترش بود، برچیند. اما نگرانی ایران در ارتباط با دستیابی عراق به بمب تنها زمانی برطرف شد که ائتلاف چندملیتی به رهبری آمریکا در مارس سال ۲۰۰۳ به عراق حمله کرد و هیچ نشانه‌ای در این کشور مشاهده نشد که عراق یک برنامه مخفی هسته‌ای دارد. از نقطه نظر ایران، غرب از تلاش عراق برای دستیابی به تسلیحات کشتار جمعی تنها به عنوان بهانه‌ای برای تهاجم به عراق استفاده کرد اما اکنون شواهدی قابل اتکا و موثق درباره پایان یافتن تهدید هسته‌ای بالقوه از سوی یک کشور همسایه وجود دارد که زمانی جنگ خونین هشت ساله ایران را آغاز کرد که نتایج فاجعه‌باری برای ایران در پی داشت.

پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، و در پی حملات بین‌المللی به رهبری آمریکا به همسایگان ایران یعنی عراق و افغانستان، تغییرات شگرفی در جایگاه ایران در سطح منطقه‌ای ایجاد شد که هم ابعاد مثبت داشت و هم منفی. برنامه هسته‌ای ایران به صورتی ناگهانی به یک نگرانی جدید در سطح بین‌المللی تبدیل شد و در داخل این کشور و در سطح منطقه نیز اهمیت قابل توجهی یافت. از یک سو، این موضوع فوراً سبب برگزاری دور جدیدی از مذاکرات شد که با تعلیق موقت برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران و تصویب پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به اوج خود رسید. از سوی دیگر، این گام‌های مثبت سبب کاهش بحران هسته‌ای شدند بدون آن که در سطح قابل توجهی از خصومت‌های طولانی مدت بین ایران و آمریکا بکاهند.

پیشینه خصومت بین تهران و واشنگتن به انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و سرنگونی

دیکتاتوری سلطنتی تحت حمایت آمریکا در ایران بازمی‌گردد. با وقوع انقلاب اسلامی بحران گروگان‌گیری که دانشجویان ایرانی سردمداران بودند و با اشغال سفارت خانه آمریکا در تهران در نوامبر ۱۹۷۹، روابط ایران و آمریکا رو به وخامت گذاشت.

بحران گروگان‌گیری سبب شد واشنگتن روابط دیپلماتیک خود را با تهران قطع کند. با آن که ماجرای حمله به سفارت آمریکا در تهران رسماً و براساس توافق دوجانبه بین ایران و آمریکا (با توافق الجزایر در سال ۱۹۸۱) پایان یافت اما این توافق در تغییر شرایط خصومت‌آمیزی که سبب تعلیق روابط ایران و آمریکا و ایجاد شرایطی منفی دائمی بین دو کشور شد، تأثیر چندانی نداشت یا شاید بتوان گفت هیچ اثری نداشت. این خصومت زمانی تشدید شد که جورج بوش پسر رئیس‌جمهور سابق آمریکا در سخنرانی سالانه خود در سال ۲۰۰۳، ایران را بخشی از «محور شرارت» توصیف کرد.

اما دولت بوش متعاقباً در ماه مه مورد نظر خود از تهدید هسته‌ای ایران بازنگری کرد و با انتشار گزارش خود در ارتباط با امنیت هسته‌ای در سال ۲۰۰۷ این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که ایران در اوایل سال ۲۰۰۳ به ابعاد نظری برنامه هسته‌ای خود پایان داده است. همان‌گونه که جورج بوش در کتاب خاطرات خود بدار اشاره کرده گزارش اطلاعاتی که توسط شانزده سازمان اطلاعاتی این کشور تهیه شده بود در ممانعت از انجام حمله نظامی (یا یک تهاجم سراسری) به ایران تأثیر بسزایی داشت و بدین ترتیب، راه را برای در پیش گرفتن و امتحان کردن گزینه دیپلماتیک به منظور ابراز اطمینان از این موضوع فراهم کرد. برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است، درست همان‌گونه که مقامات سیاسی ایران همواره بر آن تأکید کرده‌اند.

با صدور یک حکم مذهبی (فتوا) توسط آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رهبر عالی ایران - که بر اساس آن، تولید، ذخیره‌سازی و استفاده از تسلیحات هسته‌ای، ممنوع شده است -، بر ماهیت صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران تأکید شده است. در حالی که خانگی خود را درگیر به راه انداختن جنگ‌های پرهزینه و نامحدود در عراق و افغانستان طی اواسط دهه ۲۰۰۰ کرده بود، اما سیاست آمریکا در قبال ایران یکباره به اولویتی فوری تبدیل شد. در نتیجه، و با وجود برگزاری ۲ دور گفت‌وگوهای امنیتی میان آمریکا و ایران در عراق در سال ۲۰۰۷، هیچ‌گونه مذاکراتی جدی در پی گفت‌وگوهای بغداد انجام نشد و هیچ‌گونه تلاش واقعی نیز به منظور طراحی یک رویکرد جدید دیپلماتیک از سوی آمریکا در قبال ایران صورت نگرفت.

در حقیقت، تنها کاری که از سوی آمریکا انجام شد توسل به دیپلماسی مبتنی بر قهر به صورت یکجانبه و دوجانبه بود تا بدین ترتیب طی دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در ایران از برنامه «نظامی هسته‌ای مداوم» این کشور جلوگیری شود.

محمود احمدی‌نژاد در عزم ایران در سال ۲۰۰۶ در از سرگیری برنامه غنی‌سازی اورانیوم تحت عنوان «حقوق حقه هسته‌ای» ایران نقش بسزایی داشت، تصمیمی سرنوشت‌ساز که سبب شد شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اعلام این موضوع که ایران تعهدات خود را نقض کرده است، پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع دهد.

ایران طی دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد - طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۳ - با نادیده گرفتن چندین قطعنامه سازمان ملل متحد که تحریم‌هایی بر ایران اعمال کرده بود، و در پی دست مذاکرات با هدف «مبادله سوخت» هسته‌ای طی سال‌هایی ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، به روند هم در اختیار داشتن چرخه کامل سوخت هسته‌ای دست یافت و همچنین توانست میله‌های سوخت برای راکتور پزشکی تهران تولید کند.

آن مذاکرات نخستین دور از گفت‌وگو‌هایی بود که دولت جدید باراک اوباما در آمریکا با هدف پایان دادن به نگرانی‌های ایران انجام داد. اوباما در تبلیغات انتخاباتی خود اعلام کرده بود اگر به کاخ سفید راه پیدا کند تلاش می‌کند سیاست جدیدی را برای «تعامل با ایران» در پیش خواهد گرفت. با این حال، یکی از نخستین دستور کارهای باراک اوباما به عنوان رئیس جمهور آمریکا این بود که دست از انجام میله القوه خطرناک سایبری را علیه تأسیسات هسته‌ای ایران صادر و در عین حال، تحریم‌های اعمال شده از سوی آمریکا علیه ایران را افزایش داد.

«بیانیه تهران» که توسط مقامات ایران، ترکیه و قطر در ماه می سال ۲۰۱۰ امضا شد، راه را برای «مبادله سوخت» هموار کرد، بدین ترتیب، قرار شد مذاکرات مقابله‌ای از اورانیوم غنی‌شده خود را در ازای دریافت مواد مورد نیاز میله‌های سوخت به خارج از این کشور منتقل کند. آنچه که موجب شگفتی همگان از جمله رؤسای جمهور ترکیه و برزیل شد، این است که کاخ سفید توافقی تهران را رد کرد و این موضوع سبب خشم لوئیز ایگناسیو داسیلوا، رئیس‌جمهور برزیل شد که پیشتر تأییدیه اوباما را در ارتباط با این ابتکار عمل دیپلماتیک در پایگاه اینرسی خود قرار داده بود. ایران که قادر نبود سوخت هسته‌ای مورد نیاز راکتور تهران - که ذخیره آن در حال کاهش بود - را از خارج به دست بیاورد سطح غنی‌سازی اورانیوم خود را افزایش داد و آن را در تأسیسات زیرزمینی فردو در نزدیکی شهر مقدس قم به حدود ۲۰ درصد رساند. این اقدام سبب گشایش در بومی‌سازی روند تولید میله‌های سوخت برای راکتور پزشکی شد که رادیوایزوتوپ تولید می‌کرد.

با آن که در غرب از احمدی‌نژاد به عنوان فردی منفور یاد می‌شود که قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل متحد را به چالش کشید و آنها را «کاغذپاره‌هایی بی‌ارزش» توصیف کرد اما این

موضوع در ارتباط با تصویری که از بررسی‌های غیر مغرضانه روند برگزاری مذاکرات هسته‌ای ایران ارائه می‌شود، متفاوت است. دوران اورویات‌کننده دولتی است که به دستیابی به یک توافق عملی نزدیک نبود و فعالان در پی یافتن فرصت‌هایی برای برگزاری مذاکرات هسته‌ای بود و این روند با برگزاری نشست‌های پنهانی دوجانبه با دیپلمات‌های بلندپایه آمریکایی در عمان در بهار و تابستان سال ۲۰۱۳ به اوج خود رسید. این مذاکرات محرمانه - که در آن ریاست تیم آمریکایی، ویلیام برنز معاون وزیر امور خارجه آمریکا بر عهده داشت - نقشی حیاتی در فراهم کردن زمینه برای گشایش بعدی در ژنو ایفا کرد که در زمان ریاست جمهوری حسن روحانی در ژوئن سال ۲۰۱۳ انجام شد. همان‌گونه که در این کتاب به طور کامل مورد بحث قرار گرفته است، انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۲۰۱۳ انتخاباتی مهم بود که سبب تغییر دیپلماسی هسته‌ای ایران به نفع رویکرد جدید انعطاف‌پذیر و مبتنی بر عمل‌گرایی شد که در نهایت قابلیت تبدیل شدن به توافق هسته‌ای را بر روی میز مذاکرات به دست آورد. نشانه‌های اولیه چنین تحولی طی برگزاری مذاکرات انتخاباتی پدیدار شد، زمانی که سعید جلیلی مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران به نام «انتخابات ریاست جمهوری شده بود از سوی روحانی و علی‌اکبر ولایتی - وزیر امور خارجه سابق ایران و مشاور کلیدی آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب - به سبب ناکامی در ایجاد گشایش در مذاکرات هسته‌ای هدف انتقاد قرار گرفت.

روحانی با وعده ارائه «خبرهای خوب هسته‌ای» طی مراسم روز نخست ریاست جمهوری‌اش آشکارا از سیاست هسته‌ای به رهبری محمود احمدی‌نژاد انصراف داد و آن را دلیل وقوع فاجعه اقتصادی دانست زیرا بهای «چرخیدن سانتریفیوژها» این بود که «بخش کارخانه‌ها در ایران از حرکت بازایستاد که این موضوع اشاره‌ای مستقیم به مشکلات اقتصادی ایران است که تحریم‌های جامع بین‌المللی اعمال‌شده علیه تهران عامل آن بوده است.

روحانی به عنوان رئیس جمهور ایران که بحران اقتصادی را از رئیس‌جمهور قبلی به ارث برده بود و تمایل داشت هرچه سریع‌تر به وعده‌های انتخاباتی‌اش جامه عمل بپوشاند، تلاش کرد «پرونده هسته‌ای» را از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه منتقل کند، وزارتخانه‌ای که اکنون محمد جواد ظریف - که در آمریکا تحصیل کرده بود - ریاست آن را بر عهده داشت. ظریف پیشتر نماینده ایران در سازمان ملل متحد بود و در دستیابی به توافقی در ارتباط با برقراری نظم در افغانستان پس از دوران طالبان نقش بسزایی ایفا کرده بود.

ظریف که خود را برای آغاز فصلی جدید در آنچه که رسانه‌های غربی آن را «دیپلماسی فریبنده ایران» نام نهادند آماده کرده بود، مسئولیت و ریاست تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران را بر عهده گرفت. ظریف مذاکرات هسته‌ای را در ژنوی پیاپی گرفت.